

( وَ مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ) الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ حَمْدُهُ، وَ الْغَالِبِ جُنْدُهُ، وَ الْمُتَعَالَى جَدَّهُ، أَحْمَدُهُ عَلَى نِعْمِهِ التَّوَامِ، وَ الْإِيَّهِ الْعِظَامِ، الَّذِي عَظَّمَ حِلْمُهُ فَعَفَا، وَ عَدَلَ فِي كُلِّ مَا قَضَى، وَ عَلِمَ بِمَا يَمْضِي وَ مَا مَضَى، مُبْتَدِعِ الْخَلَائِقِ بَعْلَمِهِ، وَ مُنْشِئِهِمْ بِحُكْمِهِ، بَلَا اقْتِدَاءٍ وَ لَا تَعْلِيمِ، وَ لَا احْتِدَاءٍ لِمِثَالِ صَانِعِ حَكِيمِ، وَ لَا إِصَابَةَ خَطَأٍ، وَ لَا حَضْرَةَ مَلَأَ. وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ ابْتَعَثَهُ وَ النَّاسُ يَضْرِبُونَ فِي غَمْرَةٍ، وَ يَمْوَجُونَ فِي حَيْرَةٍ، قَدْ قَادَتْهُمْ أَرْمَةُ الْحَيْنِ، وَ اسْتَغْلَقَتْ عَلَى أَفْئِدَتِهِمْ أَقْفَالُ الرَّيْنِ. أُوصِيكُمْ -عِبَادَ اللَّهِ- بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا حَقُّ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَ الْمَوْجِبَةُ عَلَى اللَّهِ حَقَّكُمْ، وَ أَنْ تَسْتَعِينُوا عَلَيْهِ بِاللَّهِ وَ تَسْتَعِينُوا بِهَا عَلَى اللَّهِ. فَإِنَّ التَّقْوَى فِي الْيَوْمِ الْحَرِيزُ وَ الْجَنَّةُ، وَ فِي غَدِ الطَّرِيقُ إِلَى الْجَنَّةِ، مَسْلُكُهَا وَاضِحٌ، وَ سَالِكُهَا رَابِحٌ، وَ مُسْتَوْدَعُهَا حَافِظٌ، لَمْ تَبْرَحْ عَارِضَةً نَفْسَهَا عَلَى الْأُمَمِ الْمَاضِينَ وَ الْغَابِرِينَ لِحَاجَتِهِمْ إِلَيْهَا غَدًا إِذَا أَعَادَ اللَّهُ مَا أَبَدَى، وَ أَخَذَ مَا أَعْطَى، وَ سَأَلَ عَمَّا أَسَدَى، فَمَا أَقَلَّ مِنْ قَبْلِهَا وَ حَمَلَهَا حَقَّ حَمْلِهَا. أُولَئِكَ الْأَقْلُونَ عَدَدًا، وَ هُمْ أَهْلُ صِفَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِذْ يَقُولُ: وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِي الشَّاكِرُونَ فَأَهْطِعُوا بِأَسْمَاعِكُمْ إِلَيْهَا، وَ وَاكِظُوا بِجِدِّكُمْ عَلَيْهَا، وَ اعْتَاضُوهَا مِنْ كُلِّ سَلْفٍ خَلْفًا وَ مِنْ كُلِّ مُخَالِفٍ مُوَافِقًا، أَيَقِظُوا بِهَا نَوْمَكُمْ، وَ اقْطَعُوا بِهَا يَوْمَكُمْ، وَ أَشْعِرُوا قُلُوبَكُمْ، وَ ارْحَضُوا بِهَا ذُنُوبَكُمْ، وَ دَاوُوا بِهَا الْأَسْقَامَ، وَ بَادِرُوا بِهَا الْحِمَامَ، وَ اعْتَبِرُوا بِمَنْ أَضَاعَهَا، وَ لَا يَعْتَبِرَنَّ بِكُمْ مَنْ أَطَاعَهَا. أَلَا فَصُونُوهَا وَ تَصَوَّنُوا بِهَا، وَ كُونُوا عَنِ الدُّنْيَا نَزَاهًا، وَ إِلَى الْآخِرَةِ وُلَاهًا، وَ لَا تَضَعُوا مَنْ رَفَعَتْهُ التَّقْوَى، وَ لَا تَرْفَعُوا مَنْ رَفَعَتْهُ الدُّنْيَا، وَ لَا تَشِيمُوا بَارِقَهَا، وَ لَا تَسْمَعُوا نَاطِقَهَا، وَ لَا تُجِيبُوا نَاعِقَهَا، وَ لَا تَسْتَضِيئُوا بِإِشْرَاقِهَا،

وَ لَا تَفْتَنُوا بِأَعْلَاقِهَا، فَإِنَّ بَرَقَهَا خَالِبٌ، وَ نَطَقَهَا كَاذِبٌ، وَ أَمْوَالُهَا مَحْرُوبَةٌ، وَ  
 أَعْلَاقُهَا مَسْلُوبَةٌ. أَلَا وَ هِيَ الْمُتَصَدِّيقَةُ الْعُنُونُ، وَ الْجَامِحَةُ الْحَرُونَ وَ الْمَائِنَةُ  
 الْخُزُونُ، وَ الْجَحُودُ الْكُنُودُ، وَ الْعُنُودُ الصَّدُودُ، وَ الْحَيُودُ الْمَيُودُ، حَالُهَا انْتِقَالٌ، وَ  
 وَطَأُتُهَا زَلْزَالٌ، وَ عِزُّهَا ذُلٌّ، وَ جِدُّهَا هَزْلٌ، وَ غُلُوبُهَا سُفْلٌ، دَارُ حَرْبٍ وَ سَلْبٍ وَ  
 نَهْبٍ وَ عَطَبٍ، أَهْلُهَا عَلَى سَاقٍ وَ سِيَاقٍ، وَ لِحَاقٍ وَ فِرَاقٍ. قَدْ تَحَيَّرَتْ مَذَاهِبُهَا، وَ  
 أَعْجَزَتْ مَهَارِبُهَا، وَ خَابَتْ مَطَالِبُهَا، فَاسْلَمَتْهُمْ الْمَعَاقِلُ، وَ لَفَظَتْهُمْ الْمَنَازِلُ، وَ  
 أَعْيَتْهُمْ الْمَحَاوِلُ، فَمِنْ نَاجٍ مَعْفُورٍ، وَ لَحْمٍ مَجْزُورٍ، وَ شِلْوٍ مَذْبُوحٍ، وَ دَمٍ مَسْفُوحٍ،  
 وَ عَاضٍ عَلَى يَدَيْهِ، وَ صَافِقٍ لِكَفْيِهِ، وَ مُرْتَفِقٍ بِخَدْيِهِ، وَ زَارٍ عَلَى رَأْيِهِ، وَ رَاجِعٍ عَنِ  
 عِزْمِهِ، وَ قَدْ أَدْبَرَتْ الْحَيْلَةُ، وَ أَقْبَلَتِ الْغَيْلَةُ، وَ لَاتَ حِينَ مَنَاصٍ، هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ!!  
 قَدْ فَاتَ مَا فَاتَ، وَ ذَهَبَ مَا ذَهَبَ، وَ مَضَتْ الدُّنْيَا لِحَالٍ بِأَلْيَا فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ  
 السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ مَا كَانُوا مُنْظَرِينَ.

در حمد خدا و لزوم تقوا: شناخت پروردگار

سپاس خداوندی را سزااست که سپاس او در خلق آشکار، و سپاهش پیروز و  
 بزرگی او والا و بیکرانه است خدا را برای نعمتهای پی در پی و بخششهای  
 بزرگش ستایش می‌کنم، خدایی که حلمش بزرگ و عفوکننده است، در فرمانش  
 عادل، و از گذشته و آینده باخبر است، با علم خود جهان هستی را پدید آورده،  
 و با فرمان خود موجودات را آفریده است، بی آنکه از کسی پیروی کند، و یا

بیاموزد، و یا از طرح حکیم دیگری استفاده نماید، در آفرینش پدیده‌ها، دچار اشتباهی نشده، و نه با حضور و مشورت گروهی آفریده است. گواهی می‌دهم که محمد (ص) بنده و فرستاده اوست، به هنگامی او را مبعوث فرمود که مردم در گرداب جهالت فرو رفته، و در حیرت و سرگردانی به سر می‌بردند، هلاکت آنان را مهار کرده به سوی خود می‌کشید، و گمراهی بر جان و دلشان قفل زده بود.

ره‌آورد پرهیزکاری

ای بندگان خدا! شما را به پرهیزکاری سفارش می‌کنم، که حق خداوند بر شماست، و نیز موجب حق شما بر پروردگار است، از خدا برای پرهیزکاری یاری بطلبید، و برای انجام دستورات خدا از تقوا یاری جوید، زیرا تقوا، امروز سپر بلا، و فردا راه رسیدن به بهشت است، راه تقوا روشن، و رونده آن بهره‌مند، و امانت‌دارش خدا، که حافظان آن خواهد بود، تقوا همواره خود را بر امت‌های گذشته و آینده عرضه می‌کند، زیرا فردای قیامت، همه به آن نیازمندند. آنگاه که در قیامت آفریده‌ها را گرد می‌آورد، و درباره همه نعمت‌ها می‌پرسد، پس چه اندکند آنان که تقوا را برگزیدند، و بار آن را بدرستی بر دوش کشیدند، آری پرهیزکاران تعدادشان اندک است، و شایسته ستایش خداوند سبحان که فرمود: (بنندگان سپاس‌گزار من اندکند.) پس گوش جان را به ندای تقوا بسپارید، و برای به دست آوردن آن تلاش کنید، تقوا را بجای آن چه از دست رفته به دست آوردید و عوض هر کار مخالفی که مرتکب شده‌اید انتخاب کنید، با تقوا خواب خود را به بیداری، و روزتان را با آن سپری کنید، دل‌های خود را با تقوا زنده کنید، و گناهان خود را با آن شستشو دهید، بیماری‌های روان و جان خود را با

تقوا درمان، و خود را آماده سفر آخرت گردانید، از تباه‌کنندگان تقوا عبرت  
گیرید و خود عبرت پرهیزکاران نشوید. آگاه باشید! تقوا را حفظ کنید و  
خویشتن را با تقوا حفظ نمایید.

### پرهیز از دنیای حرام

برابر دنیا خویشتن‌دار و برابر آخرت دل‌باخته باشید، آن کس را که تقوا بلندمرتبت  
نمود خوار نشمارید، و آن را که دنیا عزیزش کرد گرامی ندارید، برق درخشنده  
دنیا شما را خیره نکند، و سخن ستاینده دنیا را نشنوید، به دعوت کننده دنیا  
پاسخ ندهید، و از تابش دنیا روشنایی نخواهید، و فریفته کالاهای گرانقدر دنیا  
نگردید. همانا برق دنیای حرام بی‌فروغ است، و سخنش دروغ، و اموالش به  
غارت رفته، و کالاهای آن در شرف تاراج است. آگاه باشید! دنیای حرام چونان  
عشوه‌گر هرزه‌ای است که تسلیم نشود، و مرکب سرکشی است که فرمان نبرد،  
دروغجویی خیانتکار، ناسپاس حق‌نشناس، دشمنی حيله‌گر، پشت‌کننده‌ای  
سرگردان، حالاتش متزلزل، عزتش خواری، جدش بازی و شوخی، و بلندی آن  
سقوط است، خانه جنگ و غارتگری، تبهکاری و هلاکت، و سرمنزله ناآرامی  
است، جایگاه دیدار کردنها و جداییهاست، راه‌های آن حیرت‌زا، گریزگاههایش  
ناپیدا، و خواسته‌هایش نومیدکننده و زیانبار است، پناهگاههای دنیا انسان را تسلیم  
مرگ می‌کند، و از خانه‌های خود بیرون می‌راند، و چاره‌اندیشی‌ها ناتوان‌کننده  
است.

### اقسام دنیاپرستان

نجات یافته‌ای مجروح، یا مجروحی پاره پاره تن، دسته‌ای سر از تن جدا، و دسته‌ای دیگر در خون خود تپیده، گروهی انگشت به دندان، و جمعی از حسرت و اندوه دست بر دست می‌مالند، برخی سر بر روی دستها نهاده به فکر فرو رفته‌اند، عده‌ای بر اشتباهات گذشته افسوس می‌خورند و خویشتن را محکوم می‌کنند، و عده‌ای دیگر از عزم و تصمیم‌ها دست برداشته، که راه فرار و هر نوع حيله‌گری بسته‌شده، و دنیا آنها را غافلگیر کرده است، زیرا کار از کار گذشته، و عمر گرانبها هدر رفته است. هیهات! هیهات! آنچه از دست رفت گذشت، و آنچه سپری شد رفت، و جهان چنانکه می‌خواست به پایان رسید. (نه آسمان بر آنها گریست و نه زمین، و هرگز دیگر به آنها مهلتی داده نشد).